

Theoretical analysis of identity diversity as social crisis (Case - study: Zionist regime)

Alireza Aghahoseini *

Ali Kamali **

Hosein Masoudnia ***

Amir-Masoud Shahramnia ****

Received: 2019/09/01

Accepted: 2019/10/02

Diversity and plurality of forms of identity in fragmented societies is one of the most important factors which threatens security of any countries. Statesmen and elites resort to some identity-building resources and carrying on strategies and policies in using them, in order to create a partial integrity and fill the Identity Vacuum. This research by using a descriptive-analytic method and based on constructivism, tries to provide a description of identity-building resources and categorize them. According to the results, based on three pillars, elites build a comprehensive identity: place/space, time/historic and joint culture. As a case study, by this identity model, we consider Israeli society. Therefore we arrange the approach of the current research in terms of the following question: "What are identity components based on place, time and culture in the society of the Zionist regime?" The results of this research suggest that most identity-building resources of the Zionist regime is fed with the Bible and include "The Promised Land", "historical single identity" and the Jewish Culture. The Jewish Culture also include "Commandments of Judaism" and symbols like "Hebrew language", "myth", "art", "social events" and "religious cover". The challenges facing these resources according to which some of them could be explained in cases like "the distorted Torah", "Multilingualism" and "secularism and atheism."

Keywords: Identity, Identity Crisis, Identity Building, Constructivism, Israel, Zionist Regime.

* Associate Professor of Political Science, at Isfahan University, Isfahan, I.R. Iran
(Corresponding author) a.aghahosseini@ase.ui.ac.ir

** Ph.D. Student of Political Sociology at Isfahan University, Isfahan, I.R. Iran.
a.kamali.politics@gmail.com

*** Associate Professor of Political Science, at Isfahan University, Isfahan, I.R. Iran.
h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

**** Associate Professor of Political Science, at Isfahan University, Isfahan, I.R. Iran.
m.shahramnia@ase.ui.ac.ir

تحلیل نظری چندپارگی هویت به مثابه بحرانی جامعه شناختی (مطالعه موردی: رژیم صهیونیستی)*

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

علیرضا آقاحسینی**

علی کمالی***

حسین مسعودنیا****

امیرمسعود شهرام‌نیا*****

چکیده

هویت از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر در ضریب امنیتی جوامع معاصر ارزیابی می‌شود که متناسب با آن می‌توان نسبت به شناخت و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدات امنیت ملی اقدام کرد. از این منظر موضوع چندپارگی هویتی وارد مطالعات امنیتی شده است. در پژوهش پیش‌رو با رویکردی توصیفی-تحلیلی به واکاوی جایگاه «هویت» در امنیت‌سازی رژیم صهیونیستی با استفاده از نظریه «برساخت‌گرایی»، پرداخته شده است. با توجه به تقابل راهبردی جمهوری اسلامی ایران با این رژیم نامشروع، نتایج پژوهش می‌تواند در اختیار نهادهای سیاسی و امنیتی ذی‌ربط قرار گیرد و در مدیریت سیاست‌ها و تقویت منافع ملی ایران و مصالح جهان اسلام، به‌کار آید. سؤال اصلی عبارتست از وضعیت بحران هویتی در جامعه اسرائیل چگونه است؟ نتایج به‌دست‌آمده دلالت بر آن دارد که رژیم صهیونیستی با تعریف منبع «سرزمین موعود»، «هویت واحد تاریخی» و «فرهنگ یهودی» در تلاش برای ترمیم خلأ هویتی سه‌گانه «مکان»، «زمان» و «فرهنگ مشترک» خودش و رهایی از وضعیت بحرانی ناشی از چندپارگی هویتی است. اگرچه رژیم صهیونیستی در این زمینه تلاش بسیاری کرده، لیکن در فرایند هویت‌بخشی، بامعضلاتی مواجه شده؛ چالش‌هایی نظیر «سکولاریسم و الحاد»، «اختلافات طایفه‌ای»، «چندزبانی» و دیگر موارد که می‌تواند در کانون توجه راهبرندگان ایران قرار گیرد.

واژگان کلیدی: هویت، بحران هویت، هویت‌سازی، برساخت‌گرایی، اسرائیل، رژیم صهیونیستی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه اصفهان با عنوان

«تحلیل شالوده‌شکنانه بحران هویت در رژیم صهیونیستی از ۱۹۴۸ تا ۲۰۱۶» با راهنمایی آقایان دکتر

علیرضا آقاحسینی و دکتر حسین مسعودنیا و مشاوره آقای دکتر امیرمسعود شهرام‌نیا است.

** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول)

a.aghahosseini@ase.ui.ac.ir

*** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران

a.kamali.politics@gmail.com

**** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران

***** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران

m.shahramnia@ase.ui.ac.ir

مقدمه

بیان مسئله: نقش محوری «هویت» در تکوین، استقرار و استمرار واحدهای سیاسی، منجر شده تا موضوع «جوامع متکثر» از حیث هویتی به عنوان مسئله‌ای مهم در عصر جهانی شدن مطرح گردند. به همین خاطر است که چیستی و چگونگی طراحی سیاست‌های هویت‌ساز در دستور کار بسیاری از کشورها قرار دارد (نک. افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۱۸-۱۱۰). از این منظر دغدغه پژوهش حاضر ناظر بر وضعیت هویت در جوامعی است که مؤلفه‌های هویت‌ساز آنها از یکدستی لازم برخوردار نیستند و در نهایت نوعی چندپارگی هویت را دامن می‌زنند.

اهمیت: از آنجاکه رژیم صهیونیستی در تقابل آشکار با ارزش‌ها و منافع جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، ورود به این موضوع در خصوص وضعیت جامعه اسرائیل برای ایران اهمیت کاربردی دارد.

ضرورت: کم‌توجهی به مقوله «چندپارگی هویتی در جامعه اسرائیل»، منجر شده تا بخش قابل توجهی از سیاست‌های نرم‌افزارانه که ایران می‌تواند در مدیریت این تعارض از آن‌ها بهره‌بردار، نادیده انگاشته شود. معنای این سخن می‌تواند اتلاف منابع و کاهش میزان کارآمدی سیاست‌های ایران باشد که ضروری است تدارک گردد.

اهداف: هدف اصلی این پژوهش پیشنهاد یک چارچوب تحلیلی جامعه‌شناختی در مقام تعریف و مدیریت سیاست‌های هویتی است. این امر می‌تواند در تقویت سیاست‌های مقابله‌ای ایران و رژیم صهیونیستی به کمک موضع ایران بیاید. افزون بر این توسعه دیدگاه‌های جامعه‌شناسی هویت در جامعه ایران و برجسته‌سازی آسیب‌های الگوی هویتی در جامعه اسرائیل، از جمله اهداف دیگر این نوشتار است.

سؤال‌ها: سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: وضعیت مؤلفه‌های هویتی جامعه اسرائیل مبتنی بر سه رکن مکان، فضا و فرهنگ، چگونه است؟ سؤال‌های فرعی مورد نظر در این ارتباط عبارت‌اند از: مؤلفه‌های هویتی جامعه اسرائیل کدام‌اند؟ نسبت مؤلفه‌های هویتی در جامعه اسرائیل به ارکان سه‌گانه الگوی جامعه‌شناسی هویتی چیست؟

روش تحقیق: پژوهش حاضر در گروه پژوهش‌های نظری و کاربردی قرار می‌گیرد و در آن، به منظور نیل به پاسخ سؤال پژوهش، مبتنی بر تکنیک‌های اسنادی و

کتابخانه‌ای، به جمع‌آوری داده‌ها و سپس تحلیل آن‌ها پرداخته می‌شود. برای تحلیل داده‌ها از نظریه «برساخت‌گرایی» استفاده شده است. بر این اساس در این پژوهش ساخت الگوی تحلیل بر اساس نظریه منتخب بسیار مهم است. بر این منظور محققان نخست نظریه‌های مربوط به هویت و قومیت را مورد تحلیل انتقادی قرار داده و در ادامه با اتخاذ رویکردی ترکیبی به الگویی نسبتاً جامع از هویت ملی دست یافته‌اند که مبنای تحلیل داده‌های موردی قرار گرفته است.

۲. پیشینه تحقیق

در ارتباط با رژیم صهیونیستی و جامعه اسرائیل منابع متعددی تألیف و ترجمه شده که با توجه به رویکرد جامعه‌شناسی هویت مقاله حاضر می‌توان آن‌ها را به دو گروه اصلی تقسیم کرد:

۲-۱. آثار ناظر بر تکوین جامعه‌شناختی هویت

متناسب با رویکرد این تحقیق، ادبیاتی را که در حوزه تکوین جامعه‌شناختی هویت به نگارش درآمده است، می‌توان در دو بخش تقسیم‌بندی کرد:

الف. متونی که به نقش مؤلفه‌های هویت‌ساز در پیکربندی هویت‌های جمعی همت گمارده‌اند: در این آثار، مؤلفان به یک یا چند نمونه از عناصر هویت‌ساز نظیر دین، زبان، جغرافیا، قومیت یا نژاد و مواردی از این دست اشاره می‌کنند و نقش آن را در پیکربندی و استحکام هویت‌های جمعی؛ به‌ویژه «هویت ملی» مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند. حوزه نگرش این‌گونه نوشتگان محدود است و نظر به فقدان طبقه‌بندی مطلوب، مخاطب قادر نیست ارتباط میان عناصر هویت‌ساز را دریابد. در این ارتباط، منابع ذیل در خورتوجه هستند: روایی (۱۳۹۷)، بیگدلو (۱۳۹۶)، قمری و حسن‌زاده (۱۳۸۹)، سیدامامی (۱۳۸۵)، یگر (۱۹۹۶).

ب. متونی که به چالش‌ها و بحران هویت پرداخته‌اند: در این بخش، پژوهشگران، دغدغه و رویکرد اصلی خود را بر موضوع چالش‌های هویتی نظیر دوگانه «اسلام-سکولاریسم»، چالش «چندزبانی» و دیگر موارد نهاده‌اند و این چالش‌ها را در جوامع

مختلف جستجو کرده و مورد تحلیل قرار می‌دهند. مهم‌ترین اشکال این روش آن است که به ریشه‌های بحران هویت عنایتی نمی‌شود؛ حال آنکه در واقع، زمانی «بحران هویت» پدید می‌آید که سیاست‌های هویتی به واسطه موانعی مخدوش شود و یا اینکه در منشأ این سیاست‌ها (منابع هویت‌ساز) خدشه ایراد گردد که دریافت آن مستلزم شناخت منابع هویت‌ساز و نسبت آن‌ها با یکدیگر است. در این باب، می‌توان به این منابع اشاره داشت: سفیری و احیایی (۱۳۹۷)، سیم‌بر و ستوده (۱۳۹۳)، کریم‌زاده (۱۳۸۸).

۲-۲. آثار ناظر بر تکوین جامعه‌شناختی هویت در رژیم صهیونیستی

از ابتدای تکوین رژیم صهیونیستی بدین سو، پژوهش‌های گسترده‌ای به‌نحو بومی و لاتین پیرامون هویت در این رژیم نگاشته شده است، اما وجه اشتراک تمامی این پژوهش‌ها محدود بودن حوزه نگرش آنان به مسئله است. در واقع، در این پژوهش‌ها، تمرکز بر عوامل بحران‌ساز و چالش‌های هویتی رژیم صهیونیستی است و به منشأ این چالش‌ها توجهی نمی‌شود. در واقع، پژوهشگران در این عرصه، تلاش می‌کنند تا با بیان برخی چالش‌ها فراروی برخی عناصر هویت‌ساز رژیم صهیونیستی، سستی و تزلزل این رژیم را نشان دهند. در این راستا، نوشتگان ذیل درخور توجه هستند: درخشه و صادقی‌زاده (۱۳۹۴)، سخاوی‌یزدی (۱۳۹۱)، افتخاری (۱۳۸۰)، استرن (۲۰۱۷)، اورون (۲۰۱۵)، جونز (۲۰۰۲).

بر این اساس، مشخص می‌شود که وجه تمییز نوشتار حاضر آن است که نگارندگان در تلاش‌اند تا ضمن واکاوی مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت‌ساز و شناسایی ارکان اصلی آن، مدل هویتی جامع درحوزه تکوین جامعه‌شناختی هویت ارائه دهند و در موضوع تکوین جامعه‌شناختی هویت در رژیم صهیونیستی نیز، با یک گام فراتر نسبت به پژوهش‌های فوق‌الذکر، ضمن واکاوی مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت‌ساز در جامعه رژیم صهیونیستی، مبتنی بر مدل هویتی به‌دست‌آمده، طبقه‌بندی مطلوبی از آن‌ها ارائه گردد تا مشخص شود نسبت هریک از مؤلفه‌های هویتی با سایر منابع هویت‌ساز این رژیم چیست.

۳. مبانی مفهومی

۳-۱. هویت

هویت که از مفاهیم مبهم میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی است، سه رشته روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سیاست را به هم پیوند می‌زند (مرشدی‌زاد، ۱۳۸۰، ص. ۸۶). هانتینگتون تعریف آن را دشوار می‌داند و با بسیاری از روش‌های معمول اندازه‌گیری قابل‌سنجش نمی‌داند (هانتینگتون، ۱۳۸۴، ص. ۴۱). در مجموع، هویت را می‌توان مجموعه خصائص فردی و ویژگی‌های رفتاری فرض کرد که به واسطه آن، فرد به‌عنوان عضو یک گروه اجتماعی شناخته شده (شیخاوندی، ۱۳۸۰، ص. ۱۱) و از دیگران متمایز می‌گردد (طباطبایی و رحمتی‌پور، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۷).

۳-۲. هویت ملی

هویت ملی عالی‌ترین سطح «هویت جمعی» و به‌طور کلی «هویت» است (لک، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۰) که ادراک یک ملت از چیستی و کیستی خود در مقابل ملت‌های دیگر است تا بدین‌وسیله خود را از دیگران بازشناسد و به داشته‌های خود احساس تعلق کند (گودرزی، ۱۳۸۷، ص. ۲۷). هویت ملی به‌طور کلی عبارت است از بازتولید و بازتفسیر دائمی الگوی ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو و میراث و با عناصر فرهنگی مندرج در آن است (اسمیت، ۱۳۸۳، ص. ۳۰).

۳-۳. چالش هویتی

هرگاه هریک از پایه‌های هویتی یا منابع هویت‌ساز در فرایند هویت‌بخشی خود به جامعه، با مسئله و معضلی مواجه شوند به‌نحوی که پاسخی در برابر آن معضل یافت نشود، جامعه مذکور دستخوش «چالش هویتی» شده است (نک. هانتینگتون، ۱۳۸۴، ص. ۲۰).

۳-۴. بحران هویت

بحران هویت زمانی رخ می‌دهد که یک جامعه دریابد که آنچه تاکنون بی‌چون‌وچرا به‌عنوان تعاریف فیزیکی و روان‌شناسانه «خودجمعی» اش پذیرفته است، تحت شرایط

تاریخی جدید، دیگر قابل پذیرش نیست (پای، ۱۳۸۰، ص. ۱۶۳). به طور کلی، می‌توان «بحران هویت» را به معنای گسستن و بیگانه شدن انسان از اصل و جوهری خاص و نیازش به پیوستن به اصل و جوهری دیگر اشاره کرد. با عنایت به آنچه گفته شد، نگارندگان این پژوهش بر این باورند که سیاست‌گذاران هویتی هر جامعه؛ به‌ویژه جوامعی که دستخوش چندپارگی هویتی هستند، بایستی متناسب با اقتضائات و شرایط جوامع خود، با اتکا بر سه پایه هویت‌ساز مکان/فضا، تاریخ/زمان و فرهنگ مشترک، به خلق هویتی جامع (هویت ملی) بپردازند تا ضمن ارتقاء سطح همبستگی اجتماعی، سایه تهدید اساسی امنیت را از جامعه خود دور نمایند. چنانچه، سیاست‌های هویت‌ساز یک جامعه به واسطه موانعی مخدوش شود و یا اینکه در منشأ این سیاست‌ها (منابع هویت‌ساز) خدشه ایراد گردد، جامعه با چالش هویتی مواجه می‌شود که در صورت بی‌توجهی به آن، شاهد بحران هویت و نهایتاً فروپاشی و یا تجزیه خواهیم بودیم.

۴. مبانی نظری

در ارتباط با هویت‌سازی دو دیدگاه اصلی وجود دارد: «ساختارگرایان» و «برساخت‌گرایان». در نظرگاه «ساختارگرایان»، هویت امری طبیعی و ثابت و به عبارتی از پیش تعیین شده است. با تعبیر مذکور پدیده «هویت‌سازی» بی‌معنا خواهد بود؛ اما برخلاف دیدگاه ساختارگرایان، «برساخت‌گرایان»، هویت را امری تاریخی و محتمل قلمداد می‌کنند که جنبه ذاتی و طبیعی نداشته و از پیش موجود نیست، بلکه در تعامل افراد با یکدیگر برساخته شده و این مسئله همواره ادامه دارد (گل‌محمدی، ۱۳۸۱، صص. ۲۳۶-۲۲۹)؛ بنابراین آن‌ها با باور به پدیده «هویت‌سازی»، منابع و مصالحی را برای ساختن و بنای آن در نظر می‌گیرند. بدین منظور این پژوهش با ابتدا بر دیدگاه «برساخت‌گرایان»، تلاش دارد تا ضمن واکاوی منابع هویت‌ساز یک جامعه، طبقه‌بندی مطلوبی از آن‌ها ارائه دهد. اگرچه اغلب صاحب‌نظران بر سر شناسایی و اولویت‌بندی منابع هویت، اختلاف نظر دارند و پدیده‌های گوناگونی را به عنوان منابع و مصالح هویتی برمی‌شمارند، لیکن با وجود تشتت آراء، با تحلیل آثار مختلف، می‌توان پایه‌های هویت‌ساز را در سه مقوله فضا/مکان، زمان/تاریخ و فرهنگ مشترک طبقه‌بندی کرد.

۴-۱. نظریه‌های مکان یا سرزمین محور

به باور جامعه‌شناسان، بی‌گمان هویت داشتن در درجه نخست به معنای خاص و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن است. مکان و سرزمین نه تنها با ممکن کردن مرزبندی‌های عینی به واسطه ویژگی‌های جغرافیایی بلکه با تقویت مرزهای طبیعی، اجتماعی و فرهنگی هویت‌سازی را تسهیل می‌نماید (گل‌محمدی، ۱۳۸۱، صص. ۲۴۱-۲۳۶). مارتین هایدگر نیز جغرافیا را عامل بنیادی هویت ملی می‌داند و معتقد است هویت به واسطه پیوند هستی‌شناختی انسان به خاک و ریشه‌های بومی‌اش تعریف می‌شود و قطع شدن از این ریشه‌ها سبب بی‌خانمانی و بحران هویت می‌شود (معینی‌علمداری، ۱۳۸۱، صص. ۱۳). در این راستا، پاتریشیا یگر، سرزمین را از مضامین اثرگذار در بحث هویت می‌داند (Yaeger, 1996, p. 42). نیگل تریف^۱ بر وجود الزامات جغرافیایی در باب هویت و جهت‌گیری گروه‌های انسانی صراحت دارد (Anderson, 2003) و کاسگرو و جکسون نیز سرزمین را به مثابه «متن»، پرورش‌دهنده ذهنیت‌ها و برداشت‌ها تلقی می‌کنند که بسیاری از مشخصه‌های هویتی نظیر زبان، پوشش و دیگر موارد متأثر از آن است (Cosgrove and Jackson, 1987, pp. 96-97).

۴-۲. نظریه‌های زمان یا تاریخ محور

توسیدید تاریخ‌دان یونانی و نویسنده «تاریخ جنگ پلوپونزی»، «تاریخ» مکتوب را موضوعی برای فهم تمایز هویت یونانیان از «بربرها» قرار داده بود. اگرچه توسیدید در تعریف نسبتاً ساده‌ای تاریخ را عبارت از ثبت وقایع اتفاقیه و حوادث روی داده‌شده می‌داند، لیکن به کاربست «کلمات» و به بیانی دیگر بر نقش «زبان» در تاریخ‌نویسی تأکید می‌ورزد. به باور زبان‌شناسان، زبان مجموعه‌ای از کلمات می‌باشد و «کلمه» و نحوه ادای آن با ساختار ذهنی، آموزه‌ها، فرهنگ و سنن به جای مانده از گذشته و در یک کلام هویت، مرتبط است (آبادیان، ۱۳۸۹، صص. ۱۳۴-۱۳۲). باورمندان به پدیده هویت‌سازی، «تداوم» را یکی از عناصر بنیادین هویت می‌یابند که در این صورت فرد هنگامی می‌تواند مدعی داشتن هویت باشد که از تداوم خود اطمینان داشته باشد و این تداوم چیزی نیست مگر احساس ثبات شخصیت که فرد در طول زمان از خود دارد.

۳-۴. نظریه‌های فرهنگ محور

«هویت» رابطه تنگاتنگی با مقوله فرهنگ دارد و به بیان دیگر، «هویت» یک پدیده فرهنگی است. نظر به آنکه فرهنگ امری «ذهنی» است، تعاریف متعددی از آن ارائه گردیده که حد مشترک آنها مجموع آموزه‌های ارزشی و هنجاری است که مبنای نظر و عمل قرار گرفته و به صورت نرم و سخت (در گفتار و پدیده‌های تمدنی) نمود پیدا می‌کند. به باور برساخت‌گرایان، فرهنگ هم تفاوت‌آفرین و هم انسجام‌بخش است؛ بنابراین، وجود یک فرهنگ عمومی مشترک در میان اقشار جامعه و ویژگی کلیدی ملت‌هاست (گودرزی، ۱۳۸۷، ص. ۲۸۸). پژوهشگران چهار لایه زیرین برای فرهنگ برمی‌شمارند؛ لایه اول را فکر، بینش، جهان‌بینی و باور ذکر می‌کنند. لایه دوم و سوم را به ترتیب در ارتباط با «ارزش‌ها» و «هنجارها» می‌دانند و سرانجام لایه چهارم را لایه نمادها معرفی می‌کنند. لایه چهارم که نمادهایی نظیر زبان، اسطوره، هنر، نحوه پوشش و مراسم جمعی می‌باشد، فی‌نفسه واجد ارزش نیست، بلکه معرف ارزش‌هایی است که در پس آن نهفته است (افروغ، ۱۳۸۰، صص. ۱۳-۱۲).

در مطالعه موردی پژوهش حاضر، با عنایت به ساختار جامعه اسرائیل و تأکید فزاینده دولتمردان و مؤسسان این رژیم بر شریعت یهود و همچنین با توجه به فقدان قانون اساسی مدون در رژیم صهیونیستی (افتخاری، ۱۳۸۰، ص. ۱۴۱؛ شیردل، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۰) و اداره این جامعه مبتنی بر شریعت یهود (احمدوند، ۱۳۸۹، ص. ۴)؛ لایه اول تا سوم فرهنگ را در چارچوب لایه نخست و تحت عنوان «آموزه‌های دین یهود» جای می‌دهیم. نمادها نیز در چارچوب لایه دوم گنجانده می‌شود (نگاه کنید به نمودار شماره ۱):

نمودار شماره (۱): لایه‌های زیرین فرهنگ در تحلیل منابع هویت‌ساز رژیم صهیونیستی



لایه اول فرهنگ: دین

کاوش‌های باستان‌شناسان و بررسی‌های تاریخی حاکی از آن است که دین همزاد

بشر بوده و از آغاز تاریخ زندگانی بشر، هیچ‌گاه از زندگی او بیرون نرفته، هرچند حضورش با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است (منصورنژاد، ۱۳۸۵، ص. ۳۰). در این پژوهش فرهنگ اعم از دین، لحاظ شده است، از آنجاکه اگر جامعه‌ای مبتنی بر سبک زندگی ناظر بر «دین الهی مصون از تحریف» باشد، آنگاه دین فرهنگ را دربرمی‌گیرد. در خصوص جامعه رژیم صهیونیستی، اولاً دین یهود مصون از تحریف نبوده (دورانت، ۱۳۹۰، صص. ۲۷۱-۲۷۲)، ثانیاً اغلب شهروندان جامعه رژیم صهیونیستی سکولار و حتی «ملحد» هستند (Davis, 2003, p. 97) و لذا بخش معظمی از فرهنگ آنان در چارچوب شریعت یهود نمی‌گنجد؛ بنابراین در این پژوهش به‌منظور تحلیل جامعه رژیم صهیونیستی تسامحاً دین را ذیل فرهنگ جای می‌دهیم.

لایه دوم فرهنگ: نماد

انسان موجودی است که با «نماد» سروکار دارد و «نمادین» است. از این رو باید «من» شخصی و «من» جمعی خود را در فرهنگ ببیند زیرا فرهنگ به‌معنای یک نماد است. این لایه مطابق با نمودار زیر، صورت‌بندی می‌شود.

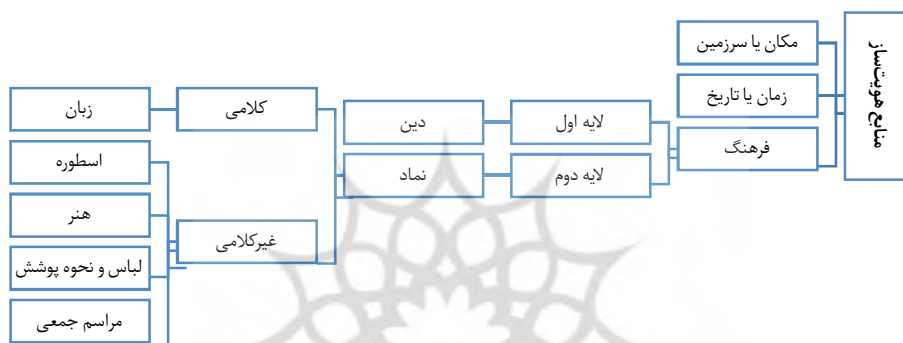
نمودار شماره (۲): طبقه‌بندی «نماد» در منابع هویت‌ساز



سه پایه هویتی مکان، زمان و فرهنگ در انفکاک و جدا از یکدیگر نبوده و نقش یکسانی نیز در هویت‌بخشی به اجتماع ندارند و درواقع توانایی چشمگیر فرهنگ و نقش بی‌همتای آن در عرصه هویت‌سازی و معنا‌بخشی، در درجه نخست از پیوند تنگاتنگ فرهنگ با مکان و سرزمین ناشی می‌شود؛ نظر به آنکه در درون چنین فضایی

نسبتاً بسته و نفوذناپذیر، فرهنگ‌های معین معمولاً فارغ از دخالت و مزاحمت فرهنگ‌های بیگانه، عناصر هویت‌بخش منسجم و تقریباً ثابتی ارائه می‌دهند و دوم اینکه فرهنگ با ره‌گیری از تاریخ و پیشینه، پشتیبانی غنی برای آموزه‌های خود فراهم می‌آورد؛ بنابراین، منابع هویت‌ساز مطابق نمودار شماره ۳ طبقه‌بندی می‌گردد و مدل هویتی احصاء می‌شود.

نمودار شماره (۳): صورت‌بندی مؤلفه‌های منابع هویت‌ساز (مدل هویتی)



۵. مطالعه موردی: منابع هویت‌ساز در «جامعه رژیم صهیونیستی»

با سپری شدن قریب به هفت دهه از شکل‌گیری رژیم صهیونیستی، اکنون این رژیم با چالش‌های عمده‌ای با عنوان «چالش‌های هویتی» مواجه شده که آن را به وادی «بحران هویت» سوق می‌دهد. هرچند به‌زعم بسیاری از جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان، «بحران هویت» هم‌اکنون بر جامعه رژیم صهیونیستی سایه افکنده است (Bar-Joseph, 2001, p. 51) و یهودیان حاضر در فلسطین اشغالی، در بازیابی و تحکیم هویت خود با معضلاتی روبرو شده‌اند (Waxman, 2006; Segre, 1980; Cross, 1983). در ادامه مطابق با الگوی تحلیلی ارائه شده به بررسی وضعیت ارکان هویت‌ساز در رژیم صهیونیستی می‌پردازیم.

۵-۱. منبع هویت‌ساز: «سرزمین موعود»

رژیم صهیونیستی در فرایند «ملت‌سازی» خود به اهمیت فزاینده «سرزمین» اهتمام ورزیده و به شیوه‌های گوناگون سعی در تقویت این پایه هویت‌ساز داشته است.

صهیونیست‌ها با بهره‌گیری از تورات تحریف‌شده و اسطوره‌پردازی، سرزمین فلسطین را تحت‌عنوان «سرزمین موعود» از آن خود دانسته و مدعی‌اند «یهوه»، خداوند یهود این سرزمین را به پاس خدماتشان به این قوم ارزانی داشته است (کتاب مقدس، ۱۳۶۲، ص. ۱۹). نخبگان صهیونیسم مواردی نظیر نام کشور و اسامی جغرافیایی را از نظر دور نداشته و از ظرفیت تمامی این موارد در جهت هویت‌بخشی به جامعه رژیم صهیونیستی بهره برده‌اند. ایشان نام «اسرائیل» را که یادآور یعقوب پیامبر و قوم بنی‌اسرائیل (فرزندان یعقوب علیه السلام) است بر سرزمین تحت حاکمیت خود نهادند (Margalith, 1990). سیاست‌مداران این رژیم بلافاصله پس از تأسیس دولت رژیم صهیونیستی، هرچا نام و نشانی فلسطینی بود، وارد شده و یا آن را از بین بردند و یا در تلاش برای مصادره آن پیرو اهداف خود، با تغییر نام یا سندسازی جعلی برآمدند. ابراهیم عبدالکریم (۲۰۰۰) یکی از طرح‌های «هاگانا»^۲ در سال ۱۹۴۲ را طرح موسوم به «دالت»^۳ می‌داند که براساس آن می‌بایست نقاط حساس و کلیدی سرزمین فلسطین در اختیار و تصرف یهودیان درآید (متهدعسکری، ۱۳۸۱، ص. ۲۵۱). جریان صهیونیسم در قرن نوزدهم، روایتی مبتنی بر بازگشت یهودیان به سرزمین موعود و رهایی آن‌ها به‌واسطه تشکیل دولت رژیم صهیونیستی مطرح ساخت (Zerubavel, 2002, p. 115). درحالی‌که همه اسناد و حافظه جمعی یهودیان بر تنوع جامعه یهودی‌مذهبان رژیم صهیونیستی، زیست متفاوت (Rosenthal, 2003, p. 1) و حتی ریشه‌های ناهمسان قومی آن‌ها تأکید دارد (Parfitt and Egorova, 2006) صهیونیسم می‌کوشد روایتی همگون و یکدست از گذشته و آینده یهودیان ارائه دهد. به‌عنوان نمونه، محنت‌های دوران تبعید را با یهودآزاری مرتبط می‌دانست (Cook, 2008, p. 229) و مفهوم مجرد «بازگشت» را به سرزمینی فیزیکی پیوند داد و مدعی بود: «بدون وجود سرزمینی برای یهودیان و تشکیل یک دولت رهایی‌بخش، وعده داده شده ممکن نیست» (قهرمان‌پور، ۱۳۸۸، ص. ۳۶).

۲-۵. منبع هویت‌ساز: هویت واحد تاریخی

نقش منبع «زمان/تاریخ» در نمونه هویت‌سازی رژیم صهیونیستی به‌عیان قابل مشاهده است و نخبگان این رژیم سعی دارند تا گونه‌ای از هویت واحد تاریخی را برای رژیم

صهیونیستی معرفی نمایند. در این راستا گلدامایر^۵ اظهار می‌دارد:
«تاریخ هیچ مثال دیگری ندارد که مثل یهودیان برای دو هزار سال در تبعید، هویت خودش را حفظ کرده باشد... اینجا سرزمین انجیل است و در اینجا زمانی پیامبری عبری ندای خویش را در داده است» (افتخاری، ۱۳۸۰، ص. ۱۲۱).

ادعای فوق مبین آن است که صهیونیسم با تمسک به تاریخ برای این رژیم «حق تاریخی» قائل است. این حق ناشی از ارتباط قوم یهود با حکومت باستانی موجود در فلسطین است (افتخاری، ۱۳۸۰، ص. ۱۲۱). به‌عنوان نمونه، ابا ابان^۶ (۱۳۵۸)، بنی‌اسرائیل را به یهودی امروزی ساکن در رژیم صهیونیستی پیوند می‌زند، مورلی ساشر^۷ (۲۰۰۷) تلاش دارد تاریخ پرپیچ‌وخم یهود را منسجم ساخته و به‌صورت یک تداوم منطقی در طی زمان جلوه دهد و الستون^۸، حلقه ارتباط آشکاری میان تاریخ باستانی سرزمین فلسطین و تاریخ اخیر پرمعنا و مملو از پیکار این رژیم برقرار می‌کند (نیککی تینا، ۱۳۵۲، ص. ۱۳).

صهیونیست‌ها به‌منظور تثبیت پیشینه تاریخی مشترک برای یهودیان سیاست «تغییر نام مهاجران به عبری» را به کار بستند. در واقع تغییر نام یهودیان به نام‌های عبری، بعد از ورود به رژیم صهیونیستی، یک آئین صهیونیستی مهم است که به‌معنای هویت‌زدایی از گذشته می‌باشد. این کار برگرفته از آئین سنتی گرویدن به یهودیت نیز می‌باشد و شاید از این اسطوره یهودی گرفته شده است که تغییر نام بیمار، لازمه بازیابی سلامتی وی بود. به‌این ترتیب در سیاست‌های هویتی صهیونیسم، انسان منفی یهودی متعلق به گذشته می‌میرد و انسان جدیدی از دل آن بیرون می‌آید: انسان یهودی - رژیم صهیونیستی (قهرمان‌پوربناب، ۱۳۸۷، صص. ۶۵-۶۶).

۳-۵. منبع هویت‌ساز: فرهنگ یهودی

لایه اول فرهنگ: آموزه‌های دین یهود

صهیونیسم سیاسی از مذهب در زمینه ایجاد یک هویت واحد در رژیم صهیونیستی بهره بسیار برده است و این استدلال خود را عمدتاً بر آیاتی چند از کتاب مقدس استوار می‌کند. در واقع در رژیم صهیونیستی، نخبگان حاکم از زمان تأسیس این رژیم همواره

کوشیده‌اند هویت ملی را براساس هویت یهود تعریف کرده و اعراب و مسلمانان را به‌عنوان دیگر هویتی خود نشان دهند. صهیونیسم با آگاهی از اهمیت دین، همیشه درصدد هدایت مذهبی جامعه بوده و می‌باشد؛ چنانچه کودکان رژیم صهیونیستی طی هشت سال آموزش، باید ۱۵۰۰ ساعت از اوقات خود را به تحصیل «میشنا»، «تنخ»^{۱۰} و «تلمود» بگذرانند تا هویت‌سازی دینی صهیونیسم با آیات متون مقدس توجیه شود (افتخاری، ۱۳۸۰، ص. ۱۲۵). علاوه‌براین موارد، دین یهود کارویژه «قانون اساسی» را نیز ایفا کرده است (احمدوند، ۱۳۸۹، ص. ۴).

لایه دوم فرهنگ: نماد

الف. نماد کلامی: زبان رسمی عبری

زبان به‌عنوان «نیروی انسجام‌دهنده» نقش ویژه‌ای در همگرایی ملت‌ها و جوامع مختلف دارد و همچنین در بسترسازی، تکوین و بالندگی فرهنگی و تحقق هویت قومی و ملی بسیار تأثیرگذار است (عیوضی، ۱۳۸۷، ص. ۱۸۱). محققان صهیونیستی با باور به ضعف بنیان‌های تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و مذهبی، دست به سوی «زبان عبری» دراز کرده و سعی می‌کنند تا با «ملی کردن» این زبان زمینه شکل‌گیری هویت واحدی را در پرتو «زبان مشترک» فراهم آورند. در چارچوب این سیاست، یهودیانی که به‌غیر از زبان عبری سخن می‌گویند، مورد حمله قرار می‌گیرند. شعار صهیونیست‌ها در این زمینه از کلام اشرف گینزبرگ^{۱۱} (آحاد حائام)^{۱۲} اتخاذ شده، آنجا که می‌گوید: «آخرین یهودی، نخستین عبری» (افتخاری، ۱۳۸۰، ص. ۱۳۵). صهیونیسم جهانی همچنین با پدید آوردن «صهیونیسم ادبی» تمام توان خود را مصروف آن می‌دارد تا از زبان عبری که یهودیان آن را فقط به‌مثابه یک زبان مقدس مذهبی گرامی می‌داشتند، یک زبان ملی بسازد. در نتیجه، زبان عبری در مراحل مختلف سیاسی شدن، به «کلید صندوق گران‌بهارترین گنجینه» (Shavit and Eran, 2007, p. 30) مبدل می‌شود.

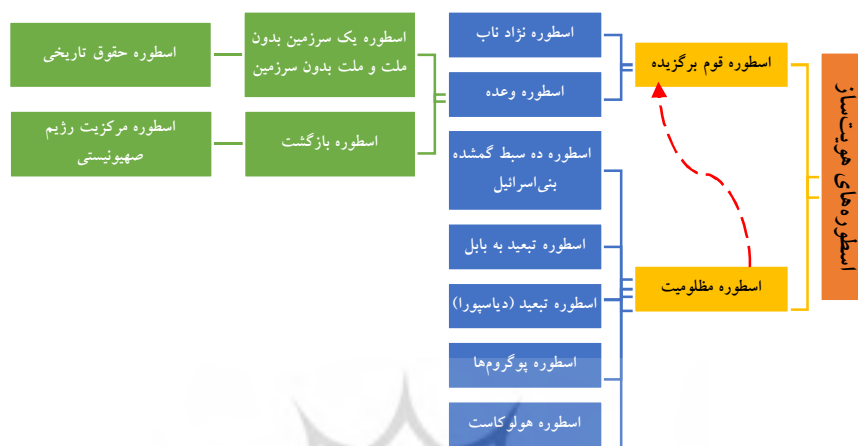
ب. نمادهای غیر کلامی

یک. اسطوره‌های صهیونیسم: حقیقت این است که رژیم صهیونیستی مبتنی بر «اساطیر» متعددی تکوین یافته است و به بیانی دیگر، «اسطوره‌های صهیونیسم» به‌عنوان مهم‌ترین تحریک یهودیان به مهاجرت، وحدت ملت یهود، توجیه مشروعیت رژیم

صهیونیستی و اساس و ارکان جریان فکری صهیونیسم قلمداد می‌شود. بازگشت به خطاب اسطوره‌ای جایگاه مهمی در سیاست‌های رژیم صهیونیستی دارد. این خطاب مانند شمشیر دولبه است؛ زیرا اگرچه خطاب اسطوره‌ای می‌تواند مردم را برای نیل به یک هدف معین گردهم آورد، لیکن اگر دچار خدشه شود و یا ساخت معجزه‌ای آن درهم ریزد، می‌تواند بنیاد آنچه براساس آن شکل گرفته را نیز نابود گرداند (عبدالعال، ۱۳۸۶، ص. ۹۱).

اسطوره‌های صهیونیسم موارد متعددی را شامل می‌شود (شهبازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص. ۵۰) که به چند نمونه از مهم‌ترین اساطیری که رژیم صهیونیستی بر مبنای تکوین یافته و شکاف‌های موجود در جامعه را تا حدی ترمیم کرده است، اشاره می‌کنیم. باکمی دقت و تأمل در این اسطوره‌ها، می‌توان به سهولت به مجموعه و چارچوب فکری و عقیدتی جنبش صهیونیسم پی برد. به بیانی دیگر، چنانچه در فحوا و مباحث ناظر بر هر اسطوره دقت گردد، بدین نکته پی می‌بریم که برخی اسطوره‌ها به‌عنوان رکن عمل کرده و اسطوره‌های دیگر به آن‌ها پروبال می‌دهند. به‌نظر می‌رسد اسطوره «قوم برگزیده» که از آیات تورات اتخاذ شده است، به‌مثابه رکن و پایه اساطیر دیگر عمل نموده و درواقع منشأ پدیداری آن‌هاست. اسطوره «مظلومیت» نیز به‌عنوان حربه‌ای جهت ترغیب و تحریک یهودیان جهان به مهاجرت و بازگشت به فلسطین مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. بی‌تردید اسطوره «ده سبط گمشده بنی‌اسرائیل»، «تبعید به بابل»، «تبعید و آوارگی»، «انکیرسیون»^{۱۳}، «پوگروم‌ها»^{۱۴} و درنهایت اسطوره «هولوکاست» یا «شواه»^{۱۵} ذیل اسطوره «مظلومیت» قرار می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان اسطوره‌های فوق را در چارچوب نمودار ۴ طبقه‌بندی کرد.

نمودار شماره (۴): اسطوره‌های هویت‌ساز رژیم صهیونیستی



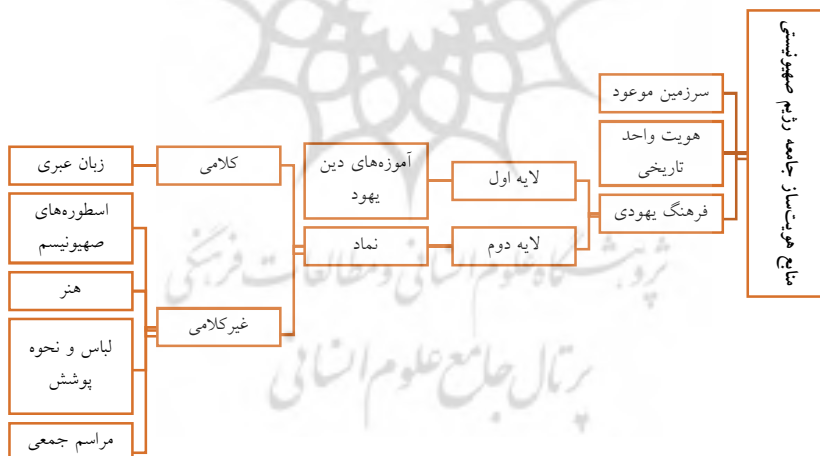
به عنوان نمونه، منشأ اسطوره قوم برگزیده، سفر تثبیه، باب هفتم (آیه شش) می‌باشد که در آن آمده است: «یهود خدایت، تو را برگزیده است تا از جمیع قوم‌هایی که بر روی زمین‌اند، قوم مخصوص برای او باشی» (کتاب مقدس، ۱۳۶۲، صص. ۲۸۵-۲۸۴). علماء و مفسرین یهود، مصداق این قوم برگزیده را قوم بنی اسرائیل می‌دانند. همچنین مطابق اسطوره نژاد ناب، صهیونیست‌ها بر این باورند یهودیان جهان فرزندان هبرون‌های^{۱۶} قدیم (Fishberg, 2006, p. 90; Roth and Valman, 2017, p. 353) و از بازماندگان فقط یک نژاد (نژاد واحد سامی) هستند. این نگاه بی‌تردید از اندیشه «برگزیدگی» قوم یهود نشئت می‌گیرد. پیرامون اسطوره وعده نیز یهودیان به سفر پیدایش، باب پانزدهم (آیه ۱۸) استناد می‌کنند که در آن آمده است: «در این روز خداوند با ابراهیم پیمان بست و گفت: این سرزمین از نهر مصر [نیل] تا شط بزرگ [فرات] را به نسل تو می‌بخشم» (کتاب مقدس، ۱۳۶۲، ص. ۱۹). اسطوره «گم‌شدن اسباط ده‌گانه بنی اسرائیل» (شهبازی، ۱۳۸۱، ص. ۴۵۴)، اسطوره «تبعید به بابل»، اسطوره «پوگروم‌ها» (شهبازی، ۱۳۸۱، ص. ۴۷۰) و اسطوره «هولوکاست» یا «شوا» (Burg, 2006) معروف‌ترین اساطیر ناظر بر مظلومیت تاریخی یهودیان می‌باشند که توسط نهضت صهیونیسم جعل و یا بزرگنمایی شده‌اند. صهیونیسم جهانی اسطوره «بازگشت» را از متون کتاب مقدس اتخاذ کرده است. در کتاب «ارمیا» چنین نگاشته شده است: «خداوند می‌گوید ایشان را به زمینی که به پدران ایشان داده‌ام بازخواهم

رسانید تا آن را به تصرف آورند» (کتاب مقدس، ۱۳۶۲، ص. ۱۱۴۲).

دو. هنر: رژیم صهیونیستی از دیرباز، از ظرفیت و پتانسیل «هنر» در جهت تقویت هویت جمعی رژیم صهیونیستی بهره گرفته است. نخستین گام صهیونیسم جهانی در این راستا، پدید آوردن «صهیونیسم ادبی» بود که نخستین جرقه‌های سیاسی کردن دین یهود را برافروخت (شیرودی(الف)، ۱۳۸۳، ص. ۱۱). در عرصه هنر و داستان‌نویسی، رمان و نمایش‌های بسیار پدید آمد که به ایفای نقش در تولد صهیونیسم پرداختند؛ به‌عنوان نمونه، اشعار مذهبی یهودا بن‌هالوی^{۱۷} به سود مقاصد صهیونیستی به کار رفت. زیگموند فروید یهودی، پدر علم روانکاوی، با آثارش بر لزوم اجرای تربیت صهیونیستی تأکید ورزید. جورج الیوت^{۱۸} در رمان «دانیل دروندا» که مهم‌ترین سند ادبی صهیونیسم به‌شمار می‌رود، ناممکن بودن ادغام یهودیان در تمدن‌های دیگر را گوشزد می‌کند (شیرودی ۱۳۸۳-ب، صص. ۱۱-۱۰). برخی از اسطوره‌ها نظیر اسطوره «یهودی سرگردان» و «هولوکاست» و پروراندن آن‌ها با هنرهای نمایشی و رمان‌نویسی، می‌تواند تأثیر ژرفا بر ذهن مخاطب بگذارد. هانی راهب^{۱۹} (۱۹۸۵) به‌دنبال آن است که شخصیت «یهودی خوب» از چه زمانی وارد این رمان‌ها شد و سرانجام بدین نتیجه می‌رسد که این جریان ارتباط مستقیمی با پیدایش نهضت صهیونیسم دارد. نظر به آن‌که آثار باستانی فراوان نظیر ابنیه تاریخی، کنیسه‌ها و مکان‌های مقدس با معماری غنی و پرقدمت در فلسطین وجود دارد؛ لذا صهیونیست‌ها با تصریحات فراوان در پی بهره‌برداری از این آثار و گونه معماری خاص آن، در جهت هویت‌سازی برای جامعه رژیم صهیونیستی هستند. بازسازی «هیکل سلیمان» را در صدر این فعالیت‌ها می‌توان قلمداد نمود؛ این اثر از طریق «هنر معماری» می‌تواند پیوندی میان دوره سلیمان نبی (ع) و اکنون ایجاد نماید. سه. لباس و نحوه پوشش: سیاست‌های صهیونیسم به دلایل مختلف نظیر «مدرنیسم» و سنن گوناگون در جامعه، در زمینه حفظ پوشش سنتی یهود، کامیاب نبوده است. نخستین پوشش مذهبی یهودیان، کیپا^{۲۰} یا یاماکا^{۲۱} است. کیپا کلاه‌ای است که مردان یهودی به‌طور سنتی بر سر می‌گذارند تا نشان دهند که خداوند در بالای سر آن‌ها حضور دارد و بر آن‌ها ناظر است (Ouaknin, 2003, p. 118). دومین پوشش مذهبی یهودیان، تالیت^{۲۲} می‌باشد. تالیت شالی است که یهودیان در هنگام «نماز صبح» روی سر

و سایر لباس‌های خود می‌اندازند (Berlin, 2011, p. 714). چهار. مراسم جمعی: سردمداران نهضت صهیونیسم از آنجاکه هویت رژیم صهیونیستی را بر مبنای دین یهود تعریف نموده‌اند، با برجسته‌سازی آیین‌های یهودی در تلاش برای بهره‌گیری از این مهم هستند. مراسم‌هایی نظیر «یوم کیپور» یا «روز آمرزش» (Appel, 2016)، عید «سوکوت»^{۲۳} یا جشن سایه‌بان‌ها (Hazen, 2002, p. 34)، عید «فصح» (Berlin, 2011, pp. 558-559)، جشن «شاووعوت»^{۲۴} یا «نزول تورات» (Berlin, 2011, pp. 671-672)، اقامه نماز و احترام در برابر «دیوار ندبه»، «سالروز استقلال رژیم صهیونیستی»، جشن «پوریم» (Berlin, 2011, pp. 592-593)، روز «یادبود هولوکاست»، روز «پاسداشت سربازان و قربانیان تروریسم» (Goodman, 1997, p. 181) که دولت رژیم صهیونیستی تمام تلاش خود را مصروف هرچه باشکوه برگزار شدن آن‌ها می‌نماید؛ بنابراین صورت‌بندی منابع هویت‌ساز جامعه صهیونیستی مطابق با نمودار زیر خواهد بود.

نمودار شماره (۵): طبقه‌بندی منابع هویت‌ساز جامعه رژیم صهیونیستی



نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش داشتیم تا با واکاوی و بررسی جایگاه منابع هویت‌ساز در صورت‌بندی «هویت»، با ابتنا بر نظریه «برساخت‌گرایی»، طبقه‌بندی مطلوبی از

مؤلفه‌های مذکور مبتنی بر سه پایه مکان، زمان و فرهنگ ارائه دهیم و در نهایت به منظور کاربست پژوهش حاضر، به مطالعه موردی رژیم صهیونیستی پرداختیم. با مطالعه جامعه رژیم صهیونیستی به این نتیجه نائل آمدیم که نخبگان این رژیم با توسل به منابع هویت‌ساز سعی در هویت‌بخشی به جامعه چندپاره خود دارند که این منابع در سه پایه «سرزمین موعود»، «هویت واحد تاریخی» و «فرهنگ یهودی» قابل توضیح می‌باشد. فرهنگ یهودی نیز بر دو لایه «آموزه‌های دین یهود» و «نماد» منقسم می‌گردد و منابع نمادین رژیم صهیونیستی نیز به‌طور کلی «زبان عبری رسمی»، «اسطوره‌های صهیونیسم»، «هنر»، «لباس و نحوه پوشش» و «مراسم جمعی» را دربرمی‌گیرد. اگرچه سردمداران رژیم صهیونیستی تمام مساعی خود را به کار بسته‌اند تا با تکیه بر مؤلفه‌ها و منابع مذکور، هویت یکپارچه و واحدی به جامعه خود اعطا نمایند، لیکن رواج «سکولاریسم و الحاد»، «چندزبانی»، افشای «تحریفی بودن تورات» و دیگر موارد ضربه سهمگینی به منابع هویت‌ساز این رژیم وارد آورده است. هرچند در اثنای مقاله، به اختصار به معضلات هریک از منابع هویت‌ساز رژیم صهیونیستی پرداختیم، اما واکاوی و ذکر تمامی چالش‌های هویت‌ساز در جامعه رژیم صهیونیستی نیازمند پژوهشی مجزاست که از آیندگان انتظار می‌رود.

یادداشت‌ها

1. Nigel Thrift
2. Haganah
3. Dalet
۴. میان «یهودی» بودن که ناظر بر قومیت یهود و تعلق بدان است و یهودی‌مذهب یا «موسوی» بودن که ناظر بر پیروی از شریعت یهود است، تفاوت وجود دارد (پورقمی، ۱۳۵۷، ص. ۱۲۶)
5. Golda Meir
6. Abba Eban
7. Howard Morley Sachar
8. Elston
9. Mishnah
10. Tanach
11. Asher Ginsberg
12. Ahad Ha'am
13. The myth of Inquisition
14. The Myth of the Pogrom
15. The Holocaust *also known as* the Shoah
16. Hebreus
17. Judah Halevi

18. George Eliot
19. Hani Rahib
20. Kippah
21. Yarmulke
22. Tallit
23. Sukkot, Succot or Sukkos
24. Shavuot

کتابنامه

- آبادیان، حسین (۱۳۸۹). «فرادهش، هویت ملی و مسئله تاریخ‌نگاری». مطالعات ملی، ۱۱ (۴۳)، صص. ۱۲۹-۱۵۸.
- احمدوند، شجاع (۱۳۸۹). «شکاف‌های اجتماعی و بحران هویت در اسرائیل». پژوهش حقوق عمومی، ۱۲ (۲۸)، صص. ۱-۱۶.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳). ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ، ترجمه منصور انصاری، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- افروغ، عماد (۱۳۸۰). هویت ایرانی، تهران: بقعه.
- بیگدلو، رضا (۱۳۹۶). «تحلیل برسازای هویت ملی ایرانی بر مبنای نژاد»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، ۸ (۱۴)، صص. ۵۸-۹۰.
- پای، لوسین (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورقمی، ناصر (۱۳۵۷). اعراب و اسرائیل و آینده. تهران: جاویدان.
- درخشه، جلال و صادقی‌زاده، کسری (۱۳۹۴). چالش‌های ساختاری رژیم صهیونیستی (با تأکید بر آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۹۰). مشرق‌زمین گاهواره تمدن، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- روایی، سلطنت (۱۳۹۷). «نقش دین در هویت انسان»، پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۳ (۱۴)، صص. ۵۷-۶۶.
- سرخاوی‌یزدی، صالح (۱۳۹۱). بررسی شکاف‌های قومی، مذهبی و هویتی رژیم صهیونیستی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد).
- سفیری، خدیجه و احیایی، پویان (۱۳۹۷). چالش‌های هویتی در ایران (نظریه‌ها و پژوهش‌ها)، تبریز: گنج حضور.
- سیمبر، رضا؛ ستوده، علی‌اصغر (۱۳۹۳). «چالش‌های هویتی فراروی هویت دین‌محور انقلاب اسلامی ایران». مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۱ (۳۶)، صص. ۹۱-۱۱۰.

- شهبازی، عبدالله (۱۳۸۱). «بنیان‌های تاریخی اندیشه سیاسی یهود در محمد احمدی»، پژوهش‌های صهیونیست، تهران: ضیاء اندیشه.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۷۷). زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۰). ناسیونالیسم و هویت ایرانی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- شیردل، پروین (۱۳۸۷). جایگاه دین یهود در نظام سیاسی رژیم صهیونیستی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- شیروزی، مرتضی (۱۳۸۳- الف). «پروژه صهیونیسم (تحلیلی از مؤلفه‌های بازتولید صهیونیسم سیاسی)»، رواق اندیشه، ۴ (۳۶)، صص. ۳-۲۴.
- شیروزی، مرتضی (۱۳۸۳- ب). «مبانی سیاسی-اجتماعی صهیونیسم»، کتاب نقد، ۸ (۳۲)، صص. ۴-۴۴.
- طباطبایی، سیدمحمد و رحمتی‌پور، لیلا (۱۳۹۳). «نقش هویت و فرهنگ در شکل‌گیری اتحاد امریکا و رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر جهان اسلام»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۳ (۱۰)، صص. ۱۰۳-۱۲۸.
- عبدالعال، صفامحمود (۱۳۸۶). آموزش نژادپرستی در برنامه‌های درسی اسرائیل، ترجمه رضوان حکیم‌زاده، تهران: وزارت امور خارجه - دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عبدالکریم، ابراهیم (۲۰۰۰). تهوید الارض و اسماء المعالم الفلستینیه (دراسة و دلیل)، دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷). «چالش‌های سیاسی جهان اسلام و آینده ایران»، دانش سیاسی، ۴ (۸)، صص. ۱۵۷-۱۸۶.
- قمری، محمدرضا و حسن‌زاده، محمد (۱۳۸۹). «نقش زبان در هویت ملی. زبان پژوهی»، ۲ (۳)، صص. ۱۵۳-۱۷۲.
- قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۷). «بحران هویت صهیونیستی و گذر به هویت پساصهیونیستی»، پژوهش‌نامه سیاست خارجی، ۱ (۱۰)، صص. ۵۷-۸۲.
- قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۸). «بحران هویت صهیونیسم و گذر به هویت پساصهیونیسم». مطالعات منطقه‌ای، ۱۱ (۳۵)، صص. ۳۱-۴۸.
- کتاب مقدس (۱۳۶۲). تهران: انجمن کتاب مقدس ایران.
- کریم‌زاده، علی (۱۳۸۸). چالش‌های هویتی و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران (با نگاهی به استان خوزستان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۷). تکوین جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران با تأکید بر دوره صفویه، تهران: تمدن ایرانی.
- لک، منوچهر (۱۳۸۴). «بازتاب کارکرد هویت‌بخش زبان فارسی در شعر»، در: حسین گودرزی،

- «گفتارهایی درباره زبان و هویت». تهران: مؤسسه مطالعات ملی، صص. ۱۱۷-۱۴۶.
- متهجدعسکری، اسراء (۱۳۸۱). «یهودی سازی سرزمین و نام و نشانه های فلسطینی»، مطالعات منطقه ای، ۱ (۱۱)، صص. ۲۴۷-۲۵۲.
- مرشدی زاد، علی (۱۳۸۰). «تحول و بحران در هویت فرهنگی ایران از دوره رضاشاه تا عصر جمهوری اسلامی»، نامه پژوهش فرهنگی، ۶ (۲۳-۲۲)، صص. ۸۵-۱۰۸.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۱). «تجلی وجدان تاریخی در بوم: هایدگر و سرچشمه های تاریخی - مکانی هویت. مطالعات ملی»، ۴ (۱۴)، صص. ۷-۲۸.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۵). دین و هویت، تهران: مؤسسه مطالعات ملی و تمدن ایرانی.
- نیکی تینا، گالینا (۱۳۵۲). دولت رژیم صهیونیستی، تهران: پویا.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۴). چالش های هویت در آمریکا، ترجمه محمودرضا گلشن پژوه و حسن سعید کلاهی خیابان و عباس کاردان، تهران: ابرار معاصر تهران.
- Anderson, K. (2003). Handbook of cultural geography. London: Sage .
- Appel, J. (2016). Yom Kippur: the Day of Atonement. Copenhagen, NY: Olive Press Messianic and Christian Publisher .
- Auron Ya'ir. (2015). Israeli identities: Jews and Arabs facing the self and the other. New York, NY: Berghahn .
- Bar-Joseph, U. (2001). Israel's national security towards the 21st Century. London: Frank Cass .
- Berlin, A. (2011). The Oxford dictionary of the Jewish religion. New York: Oxford University Press .
- Burg, A. (2010). The Holocaust is over, we must rise from its ashes. Basingstoke: Palgrave Macmillan .
- Cook, J. (2008). Disappearing Palestine: Israels Experiments in Human Despair. Zed Books .
- Cosgrove, Denis; & Jackson, Peter. (1987). New Directions in Cultural Geography. Area, 2(19), 95-110 .
- Cross, Charles T. (1983). Taipei's Identity Crisis. Foreign Policy, (51), 47-63 .
- Davis, U. (2003). Apartheid Israel: possibilities for the struggle within. London: Zed Books .
- Domnitch, L. (2003). The Cantonists: the Jewish childrens army of the Tsar. Jerusalem: Devora Pub .
- Goodman, R. , & Goodman, R. (1997). Teaching Jewish holidays: history, values, and activities. Denver, CO: A. R. E. Pub .
- Hazen, W. (2002). Jewish Sects and Holy Days: Inside Judaism. Dayton, OH: Milliken Publishing, a Lorenz Company Company .
- Jones, C. , & Murphy, E. (2004). Israel: challenges to identity, democracy and the state. London: Routledge .
- Kluge, C. (2016). The tallit. Lake Mary, FL: Charisma House .
- Margalith, Othniel. (1990). On the Origin and Antiquity of the Name Israel. Zeitschrift Fur Die Alttestamentliche Wissenschaft, 2(102), 225-237 .
- Ouaknin, M. -A. , & Hamani, L. (2003). Symbols of Judaism. New York: Barnes & Noble .
- Parfitt, Tudor; & Egorova, Yulia. (2005). Genetics, history, and identity: the case of the Bene Israel and the Lemba. Culture, Medicine and Psychiatry, 29(2), 193-224 .
- Rosenthal, D. (2008). The Israelis Ordinary People in an Extraordinary Land (Updated in 2008) .
- Segre, D. V. (1980). A crisis of identity: Israel and Zionism. Oxford: Oxford Univ. Press .
- Shavit, Y. , & Eran, M. (2007). The Hebrew Bible reborn: from Holy Scripture to the Book of Books: a history of biblical culture and the battles over the Bible in modern Judaism. Berlin: W. de Gruyer .
- Stern, Yedidia Z. (2017). Religion, state, and the Jewish identity crisis in Israel. Washington, D. C. : Brookings Institution .

- Waxman, D. (2006). The pursuit of peace and the crisis of Israeli identity defending/defining the nation. New York: Palgrave Macmillan .
- Yaeger, P. (2001). The geography of identity. Ann Arbor: Univ. of Michigan Press .
- Zerubavel, Yael. (2002). the “Mythological Sabra” and Jewish Past: Trauma, Memory, and Contested Identities. Israel Studies, 7(2), 115-144 .

